

به نام خدا

حکمرانی شهری و نقش شهروندان در ساخت آینده شهر

مولفان :

سعید رنجکش

سید مهدی میرمیران

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



chaponashr.ir



ren-journals.com



سرشناسه: رنجکش، سعید، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآورگان: حکمرانی شهری و نقش شهروندان در ساخت آینده شهر / مولفان:
سعید رنجکش، سید مهدی میرمیران
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۱۰۳ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۵۴۲-۵
شناسه افزوده: میرمیران، سید مهدی، ۱۳۶۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: حکمرانی شهری- نقش شهروندان در ساخت آینده شهر
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۹۶۸۷۹۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: حکمرانی شهری و نقش شهروندان در ساخت آینده شهر
مولفان: سعید رنجکش- سید مهدی میرمیران
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۵۴۲-۵
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار	۵
مقدمه	۷
فصل اول	۱۱
مبانی و چارچوب‌های حکمرانی شهری	۱۱
مفاهیم، مبانی و تحول حکمرانی شهری	۱۴
تفاوت مدیریت شهری سنتی با حکمرانی شهری	۱۸
اصول حکمرانی مطلوب؛ شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت و قانون‌مداری	۲۳
بازیگران اصلی حکمرانی شهری و روابط میان آن‌ها	۲۸
فصل دوم	۳۴
شهروندان و مشارکت در اداره شهر	۳۵
مفهوم مشارکت شهروندی و سطوح آن در تصمیم‌گیری شهری	۴۰
نقش شهروندان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری	۴۵
نهادهای محله‌محور، شوراهای شهری و سازمان‌های اجتماعی	۴۹
موانع، چالش‌ها و راهکارهای تقویت مشارکت شهروندان	۵۴
فصل سوم	۵۹
سازوکارهای تحقق حکمرانی مشارکتی در شهر	۵۹
شفافیت، دسترسی به اطلاعات و تقویت اعتماد عمومی	۶۳
بودجه‌ریزی مشارکتی و نقش شهروندان در تخصیص منابع شهری	۶۷
عدالت فضایی و مشارکت گروه‌های اجتماعی در توسعه شهر	۷۱
بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای ارتباط میان شهروندان و مدیریت شهری	۷۵

۷۹.....	فصل چهارم
۷۹.....	شهروندان و ساخت آینده شهر
۸۲.....	آینده پژوهی شهری و نقش شهروندان در ترسیم آینده مطلوب
۹۰.....	طراحی الگوی بومی حکمرانی شهری شهروندمدار در ایران
۹۵.....	نتیجه گیری
۱۰۱.....	منابع

پیشگفتار

شهرها امروزه بیش از هر زمان دیگری به عرصه‌ای برای تعامل میان انسان، جامعه، نهادهای مدیریتی و محیط زندگی تبدیل شده‌اند و کیفیت آینده آن‌ها تا حد زیادی به شیوه اداره شهر و میزان حضور آگاهانه شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری وابسته است. شهر دیگر صرفاً مجموعه‌ای از ساختمان‌ها، خیابان‌ها، تأسیسات و خدمات عمومی نیست، بلکه بستری اجتماعی و انسانی است که در آن حقوق، نیازها، خواسته‌ها و آرمان‌های شهروندان شکل می‌گیرد. از این منظر، حکمرانی شهری را نمی‌توان تنها به عملکرد شهرداری‌ها و سازمان‌های رسمی محدود کرد؛ بلکه حکمرانی شهری فرآیندی گسترده است که در آن نهادهای عمومی، شوراها، سازمان‌های اجتماعی، گروه‌های محلی، متخصصان و شهروندان در کنار یکدیگر برای حل مسائل شهر و ساختن آینده‌ای مطلوب مشارکت می‌کنند.

تحولات اجتماعی و افزایش پیچیدگی مسائل شهری نشان داده است که شیوه‌های سنتی و متمرکز اداره شهر به تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و رو به گسترش شهروندان نیستند. مسائل مربوط به عدالت فضایی، کیفیت محیط زندگی، حمل‌ونقل، مسکن، آلودگی، مدیریت منابع، آسیب‌های اجتماعی و تاب‌آوری شهر در برابر بحران‌ها، نیازمند تصمیم‌هایی است که علاوه بر دانش تخصصی، از شناخت واقعی زندگی روزمره شهروندان نیز برخوردار باشد. به همین دلیل، مشارکت شهروندان باید از حضور نمادین و دریافت خدمات فراتر رفته و به مشارکتی واقعی در تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی عملکرد مدیریت شهری تبدیل شود. پژوهش‌های مرتبط نیز بر اهمیت مشارکت مؤثر، شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت و تقویت نهادهای محلی در تحقق حکمرانی مطلوب شهری تأکید کرده‌اند. در چنین شرایطی، شهروند دیگر تنها مصرف‌کننده خدمات شهری نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی و فکری شهر به شمار می‌رود. تجربه زیسته شهروندان، شناخت آنان از مسائل محله و شهر، ظرفیت‌های اجتماعی موجود و توانایی آنان برای همکاری می‌تواند در کنار دانش مدیران و متخصصان، زمینه تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و عادلانه‌تر را فراهم سازد. تحقق این نگاه نیازمند ایجاد اعتماد متقابل میان شهروندان و نهادهای شهری، فراهم کردن دسترسی عادلانه به اطلاعات، افزایش شفافیت، پاسخ‌گو کردن نهادهای مسئول و ایجاد مسیرهای روشن برای اثرگذاری دیدگاه‌های عمومی بر تصمیم‌های شهری است.

کتاب حاضر با عنوان «حکمرانی شهری و نقش شهروندان در ساخت آینده شهر» با هدف تبیین همین پیوند میان حکمرانی شهری و شهروندان تدوین شده است. تلاش شده است در این اثر، ضمن بررسی

مبانی و مفاهیم حکمرانی شهری، جایگاه شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، نظارت و آینده‌سازی شهری مورد توجه قرار گیرد. همچنین تلاش شده است چالش‌های مشارکت شهروندی، موانع نهادی و اجتماعی آن و راهکارهای تقویت حضور مؤثر مردم در اداره شهر مورد بررسی قرار گیرد. آینده شهرها از پیش تعیین شده نیست؛ بلکه در نتیجه تصمیم‌هایی ساخته می‌شود که امروز در حوزه مدیریت، برنامه‌ریزی و زندگی اجتماعی اتخاذ می‌شوند. اگر شهروندان در این فرآیند حضور داشته باشند، آینده شهر می‌تواند بازتاب‌دهنده نیازها، ارزش‌ها و آرمان‌های واقعی جامعه باشد. از این رو، حکمرانی شهری مطلوب مستلزم گذار از مدیریت صرفاً اداری به حکمرانی مشارکتی، شفاف، پاسخ‌گو و شهروندمدار است؛ حکمرانی‌ای که در آن مردم نه در حاشیه، بلکه در متن ساخت آینده شهر قرار دارند.

امید است این کتاب بتواند گامی در جهت تقویت نگاه شهروندمدار به مدیریت و حکمرانی شهری بردارد و زمینه‌ای برای اندیشیدن به شهری فراهم آورد که در آن مشارکت، عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی، پایه‌های اصلی ساخت آینده باشند؛ آینده‌ای که نه فقط برای شهروندان، بلکه با حضور و مشارکت آنان ساخته می‌شود.

مقدمه

شهر به عنوان مهم ترین بستر زندگی جمعی انسان معاصر، عرصه ای پیچیده و چندلایه است که در آن ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط زیستی، کالبدی و سیاسی به یکدیگر پیوند می خورند. گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت، تغییر الگوهای سکونت، توسعه فناوری، پیچیده تر شدن نیازهای اجتماعی و ظهور مسائل جدید شهری موجب شده است که اداره شهر دیگر صرفاً از طریق تصمیم گیری های متمرکز و سازمان های رسمی امکان پذیر نباشد. شهر امروز به نظامی پویا از روابط انسانی و نهادی تبدیل شده است که کیفیت عملکرد آن به میزان هماهنگی میان نهادهای عمومی، مدیریت شهری، شوراها، بخش خصوصی، سازمان های اجتماعی، نخبگان و مهم تر از همه شهروندان وابسته است. در چنین شرایطی، مفهوم حکمرانی شهری اهمیت ویژه ای پیدا می کند؛ مفهومی که نگاه به شهر را از «اداره کردن» به سمت «همراهی، مشارکت، تعامل و تصمیم گیری جمعی» هدایت می کند. حکمرانی شهری را می توان چارچوبی برای تنظیم روابط میان بازیگران مختلف شهر دانست؛ چارچوبی که در آن قدرت تصمیم گیری، مسئولیت پذیری، منابع، اطلاعات و ظرفیت های اجتماعی میان نهادهای گوناگون جریان پیدا می کند. در این رویکرد، مدیریت شهری دیگر تنها مسئول اجرای برنامه ها نیست، بلکه وظیفه دارد زمینه گفت و گو، همکاری و مشارکت گروه های مختلف اجتماعی را فراهم سازد. حکمرانی شهری مطلوب بر اصولی همچون شفافیت، پاسخ گویی، عدالت، قانون مداری، مشارکت عمومی، مسئولیت پذیری و توجه به منافع عمومی استوار است. اهمیت این اصول از آنجا ناشی می شود که تصمیم های شهری مستقیماً بر زندگی روزمره مردم اثر می گذارند و هرگونه ضعف در فرآیند تصمیم گیری می تواند پیامدهایی همچون نابرابری فضایی، کاهش اعتماد عمومی، گسترش تعارضات اجتماعی و کاهش کیفیت زندگی را به دنبال داشته باشد.

در میان مؤلفه های حکمرانی شهری، شهروندان جایگاهی بنیادین دارند. شهروندان نه تنها استفاده کنندگان از فضاها و خدمات شهری، بلکه صاحبان تجربه، دانش محلی و سرمایه اجتماعی شهر هستند. آنان مسائل شهر را در زندگی روزمره خود لمس می کنند و در بسیاری از موارد، بهتر از هر نهاد دیگری می توانند مشکلات و ظرفیت های موجود در محله و محیط زندگی خود را شناسایی کنند. از این رو، مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و تصمیم گیری شهری می تواند به افزایش دقت تصمیم ها، تقویت مشروعیت اقدامات مدیریت شهری و افزایش احساس تعلق به شهر منجر شود. هنگامی که مردم احساس کنند در ساخت آینده محل زندگی خود نقش دارند، مسئولیت پذیری اجتماعی آنان نیز افزایش می یابد.

و رابطه میان شهروند و مدیریت شهری از رابطه‌ای صرفاً دریافت‌کننده و ارائه‌دهنده خدمات، به رابطه‌ای مبتنی بر همکاری و مسئولیت مشترک تبدیل می‌شود. مشارکت شهروندی البته تنها به حضور افراد در انتخابات یا شرکت در نشست‌های عمومی محدود نمی‌شود. مشارکت واقعی باید امکان اثرگذاری شهروندان بر مراحل مختلف چرخه تصمیم‌گیری را فراهم کند. شهروندان می‌توانند در شناسایی مسائل، تعیین اولویت‌های شهری، ارائه پیشنهاد، برنامه‌ریزی، اجرای طرح‌ها، نظارت بر عملکرد نهادهای مسئول و ارزیابی نتایج برنامه‌ها نقش داشته باشند. هرچه این مشارکت عمیق‌تر و سازمان‌یافته‌تر باشد، فاصله میان سیاست‌های شهری و نیازهای واقعی جامعه کاهش پیدا می‌کند. در مقابل، اگر مشارکت تنها جنبه تشریفاتی داشته باشد و دیدگاه شهروندان در تصمیم‌نهایی تأثیری نداشته باشد، نه تنها اعتماد عمومی تقویت نمی‌شود، بلکه ممکن است احساس بی‌تفاوتی و فاصله اجتماعی نسبت به مدیریت شهری افزایش یابد. یکی از مهم‌ترین موضوعات در حکمرانی شهری، مسئله اعتماد عمومی است. هیچ نظام حکمرانی نمی‌تواند بدون اعتماد میان مردم و نهادهای مسئول، مشارکت پایدار ایجاد کند. اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که شهروندان احساس کنند اطلاعات مورد نیاز آنان در دسترس است، تصمیم‌ها بر اساس منافع عمومی اتخاذ می‌شوند، مسئولان در برابر عملکرد خود پاسخ‌گو هستند و نظرات مردم واقعاً مورد توجه قرار می‌گیرد. شفافیت در تصمیم‌گیری، اطلاع‌رسانی دقیق، دسترسی عادلانه به اطلاعات و فراهم کردن فرصت برابر برای بیان دیدگاه‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه شکل‌گیری چنین اعتمادی را فراهم کنند. بنابراین، مشارکت شهروندی و شفافیت را نمی‌توان دو موضوع جدا از یکدیگر دانست؛ بلکه این دو مؤلفه در یک رابطه متقابل، کیفیت حکمرانی شهری را شکل می‌دهند.

از سوی دیگر، عدالت شهری یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی حکمرانی شهری است. شهروندان در نقاط مختلف شهر از امکانات، خدمات و فرصت‌های یکسانی برخوردار نیستند و تفاوت میان محله‌ها می‌تواند به شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی و فضایی منجر شود. حکمرانی شهری شهروندمدار باید بتواند صدای گروه‌هایی را که کمتر دیده می‌شوند نیز وارد فرآیند تصمیم‌گیری کند. توجه به کودکان، سالمندان، افراد دارای معلولیت، خانواده‌های کم‌برخوردار، ساکنان محله‌های محروم و سایر گروه‌های اجتماعی، بخشی از مسئولیت حکمرانی عادلانه شهری است. عدالت زمانی تحقق می‌یابد که منابع، خدمات و فرصت‌های شهری بر اساس نیازهای واقعی و بدون تبعیض توزیع شوند و همه شهروندان امکان مشارکت در ساخت آینده شهر را داشته باشند. آینده شهر نیز به میزان توانایی نظام حکمرانی در شناخت تغییرات و آمادگی برای مواجهه با آن‌ها وابسته است. شهرهای آینده با چالش‌هایی همچون تغییرات جمعیتی، بحران‌های محیط‌زیستی، کمبود منابع، تغییرات اقتصادی، تحولات اجتماعی، افزایش مخاطرات

طبیعی و دگرگونی شیوه‌های زندگی روبه‌رو خواهند بود. بنابراین، برنامه‌ریزی شهری نمی‌تواند صرفاً بر حل مسائل امروز متمرکز باشد، بلکه باید آینده‌نگر و انعطاف‌پذیر باشد. در این میان، مشارکت شهروندان می‌تواند به شناسایی نیازهای آینده و طراحی راهکارهایی متناسب با شرایط واقعی جامعه کمک کند. آینده مطلوب شهر زمانی شکل می‌گیرد که میان دانش تخصصی برنامه‌ریزان و تجربه زیسته شهروندان پیوند برقرار شود.

در این میان، فناوری‌های نوین نیز ظرفیت‌های تازه‌ای برای تقویت رابطه میان شهروندان و مدیریت شهری ایجاد کرده‌اند. ارتباط سریع‌تر، دریافت دیدگاه‌های عمومی، گزارش مشکلات شهری، اطلاع‌رسانی درباره طرح‌ها و برنامه‌ها و فراهم کردن امکان گفت‌وگوی گسترده‌تر میان مردم و مسئولان، از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌تواند فرآیند مشارکت را تسهیل کند. البته استفاده از فناوری به‌تنهایی به معنای تحقق حکمرانی مشارکتی نیست؛ زیرا اگر دسترسی شهروندان به ابزارهای ارتباطی عادلانه نباشد یا اطلاعات ارائه‌شده شفاف و قابل اعتماد نباشد، فناوری حتی می‌تواند شکاف‌های موجود را افزایش دهد. بنابراین، بهره‌گیری از فناوری باید در کنار آموزش شهروندی، دسترسی برابر به اطلاعات و اصلاح ساختارهای تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد. در ایران نیز حرکت به سوی حکمرانی شهری مشارکت‌محور نیازمند توجه هم‌زمان به ساختارهای قانونی، ظرفیت‌های مدیریت شهری، شوراهای اسلامی شهر، نهادهای محلی و سرمایه اجتماعی شهروندان است. بسیاری از مسائل شهری را نمی‌توان صرفاً از طریق تصمیم‌های اداری حل کرد؛ زیرا ریشه این مسائل در رفتارهای اجتماعی، فرهنگ عمومی، الگوهای مصرف، شیوه استفاده از فضاهای شهری و روابط میان گروه‌های مختلف جامعه قرار دارد. بنابراین، حل پایدار مسائل شهری مستلزم آن است که شهروندان از جایگاه مخاطب برنامه‌ها خارج شده و به شریک مدیریت شهری در فرآیند حل مسئله تبدیل شوند.

بر همین اساس، کتاب حاضر با عنوان حکمرانی شهری و نقش شهروندان در ساخت آینده شهر تلاش می‌کند رابطه میان حکمرانی شهری، مشارکت عمومی و آینده شهر را از ابعاد مختلف بررسی کند. در این اثر، ابتدا مبانی و مفاهیم حکمرانی شهری مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس جایگاه شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و نظارت شهری بررسی می‌شود. همچنین موضوعاتی مانند شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت شهری، اعتماد عمومی، مشارکت محله‌محور و استفاده از ظرفیت‌های نوین ارتباطی مورد توجه قرار می‌گیرند تا تصویری جامع از الزامات حکمرانی شهروندمدار ارائه شود.

فصل اول

مبانی و چارچوب‌های حکمرانی شهری

حکمرانی شهری یکی از مهم‌ترین رویکردهای نوین در شناخت، سازمان‌دهی و اداره شهرهاست که در پاسخ به پیچیده‌تر شدن مسائل شهری و افزایش نیازهای اجتماعی شکل گرفته است. شهر معاصر دیگر صرفاً مجموعه‌ای از بناها، خیابان‌ها و زیرساخت‌های فیزیکی نیست، بلکه نظامی گسترده از روابط انسانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیستی و نهادی است که مدیریت آن نیازمند همکاری میان بازیگران مختلف است. در چنین شرایطی، حکمرانی شهری تلاش می‌کند میان نهادهای رسمی، شهروندان، شوراها، سازمان‌های اجتماعی، متخصصان و سایر گروه‌های اثرگذار بر شهر، رابطه‌ای منسجم و هدفمند ایجاد کند تا تصمیم‌های شهری بر اساس نیازهای واقعی جامعه و با توجه به منافع عمومی اتخاذ شوند. مفهوم حکمرانی شهری با تغییر نگاه از «اداره شهر» به «حکمرانی بر شهر و با مشارکت شهروندان» معنا پیدا می‌کند. در مدیریت سنتی، بخش قابل توجهی از تصمیم‌ها در ساختارهای رسمی و اداری اتخاذ می‌شد و شهروندان بیشتر در جایگاه دریافت‌کننده خدمات قرار داشتند، اما در حکمرانی شهری، شهروندان بخشی از فرآیند تصمیم‌سازی محسوب می‌شوند. این تغییر نگرش باعث می‌شود قدرت و مسئولیت اداره شهر تنها در اختیار یک نهاد قرار نگیرد و ظرفیت‌های مختلف جامعه برای حل مسائل شهری مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، حکمرانی شهری را می‌توان فرآیندی مشارکتی دانست که در آن تصمیم‌گیری، اجرای سیاست‌ها و نظارت بر عملکرد شهری با همکاری مجموعه‌ای از بازیگران انجام می‌شود.

یکی از مبانی اساسی حکمرانی شهری، پذیرش پیچیدگی مسائل شهر و ضرورت همکاری میان نهادهای مختلف است. مشکلاتی مانند آلودگی هوا، ترافیک، کمبود مسکن، نابرابری فضایی، آسیب‌های اجتماعی، کاهش کیفیت محیط‌زیست و بحران‌های طبیعی معمولاً یک علت واحد ندارند و نمی‌توان آن‌ها را با یک تصمیم اداری ساده حل کرد. هر یک از این مسائل دارای ابعاد مختلفی هستند و نیازمند استفاده هم‌زمان از دانش تخصصی، تجربه شهروندان، ظرفیت‌های اجتماعی و امکانات نهادی هستند. از این رو، حکمرانی

شهری بر این اصل استوار است که حل مسائل پیچیده شهر مستلزم گفت‌وگو، هماهنگی، تقسیم مسئولیت و همکاری میان بازیگران گوناگون است. اصل مشارکت شهروندی یکی دیگر از پایه‌های مهم حکمرانی شهری محسوب می‌شود. مشارکت شهروندان زمانی معنا پیدا می‌کند که مردم بتوانند در شناسایی مسائل، تعیین اولویت‌ها، ارائه پیشنهادها، برنامه‌ریزی، اجرای طرح‌ها و نظارت بر عملکرد مدیریت شهری نقش داشته باشند. مشارکت واقعی موجب می‌شود تصمیم‌های شهری با واقعیت‌های زندگی روزمره مردم ارتباط بیشتری پیدا کنند و احتمال موفقیت برنامه‌ها افزایش یابد. همچنین حضور شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری می‌تواند احساس تعلق به شهر و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تقویت کند و زمینه همکاری بیشتر مردم با نهادهای شهری را فراهم سازد.

شفافیت نیز از اصول بنیادین حکمرانی شهری است. شهروندان برای مشارکت آگاهانه در امور شهری باید بتوانند به اطلاعات مربوط به برنامه‌ها، طرح‌ها، هزینه‌ها، منابع و تصمیم‌های مدیریت شهری دسترسی داشته باشند. نبود شفافیت می‌تواند زمینه شکل‌گیری بی‌اعتمادی، شایعه، سوءبرداشت و فاصله میان مردم و نهادهای شهری را فراهم کند. در مقابل، ارائه اطلاعات روشن و قابل فهم و توضیح دلایل تصمیم‌های شهری می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد و شهروندان را برای مشارکت مسئولانه‌تر آماده سازد. شفافیت در واقع زمینه‌ای برای نظارت اجتماعی و پاسخ‌گویی نهادهای شهری فراهم می‌کند. پاسخ‌گویی نیز از دیگر ارکان مهم حکمرانی شهری است. نهادهای شهری باید در برابر تصمیم‌ها، اقدامات و نتایج عملکرد خود مسئول باشند و شهروندان بتوانند درباره نحوه استفاده از منابع عمومی و اجرای برنامه‌های شهری پرسشگری کنند. پاسخ‌گویی زمانی مؤثر خواهد بود که سازوکارهای مشخصی برای دریافت نظرها، رسیدگی به شکایات، ارزیابی عملکرد و اصلاح تصمیم‌های نامناسب وجود داشته باشد. وجود چنین سازوکارهایی باعث می‌شود قدرت عمومی با مسئولیت همراه شود و فاصله میان تصمیم‌گیرندگان و جامعه کاهش پیدا کند.

عدالت شهری نیز جایگاه ویژه‌ای در چارچوب حکمرانی شهری دارد. شهروندان باید از فرصت‌های نسبتاً برابر برای دسترسی به خدمات، امکانات، فضاهای عمومی و منابع شهری برخوردار باشند. اگر توسعه شهری تنها در بخش‌هایی از شهر متمرکز شود و برخی محله‌ها از امکانات مناسب محروم بمانند، نابرابری اجتماعی و فضایی افزایش خواهد یافت. حکمرانی عادلانه تلاش می‌کند نیازهای گروه‌های مختلف جامعه را در فرآیند برنامه‌ریزی مورد توجه قرار دهد و امکان دسترسی گروه‌های کم‌برخوردار به خدمات و

فرصت های شهری را تقویت کند. در این نگاه، عدالت تنها به توزیع امکانات محدود نمی شود، بلکه به حق حضور و اثرگذاری همه شهروندان در تصمیم گیری های مربوط به زندگی شهری نیز ارتباط دارد. قانون مداری از دیگر مبانی حکمرانی شهری است و تضمین می کند که تصمیم ها و اقدامات نهادهای شهری در چارچوب قوانین و مقررات انجام شوند. رعایت قانون موجب ایجاد نظم، پیش بینی پذیری و اعتماد در روابط میان شهروندان و نهادهای عمومی می شود. در کنار قانون مداری، رعایت حقوق شهروندی نیز اهمیت فراوان دارد؛ زیرا شهروندان باید بتوانند بدون تبعیض از حقوق خود در زمینه استفاده از فضاهای شهری، دریافت خدمات عمومی، دسترسی به اطلاعات و مشارکت در امور شهر بهره مند شوند. حکمرانی شهری زمانی می تواند مشروعیت و مقبولیت اجتماعی داشته باشد که حقوق شهروندان را به عنوان یکی از پایه های اساسی تصمیم گیری مورد توجه قرار دهد.

اعتماد اجتماعی نیز یکی از سرمایه های مهم برای تحقق حکمرانی شهری مطلوب است. حتی اگر ساختارهای قانونی و اداری مناسبی وجود داشته باشد، بدون اعتماد میان مردم و نهادهای شهری مشارکت پایدار شکل نمی گیرد. اعتماد زمانی ایجاد می شود که شهروندان شاهد رفتار مسئولانه، شفاف و پاسخ گوی مدیران باشند و احساس کنند نظرات آنان شنیده می شود. در مقابل، تجربه بی توجهی به مطالبات عمومی یا عدم تحقق وعده های مدیریتی می تواند سرمایه اجتماعی را تضعیف کند. بنابراین، تقویت اعتماد باید بخشی جدایی ناپذیر از سیاست های حکمرانی شهری باشد. در چارچوب حکمرانی شهری، شوراهای شهر و نهادهای محلی نیز نقش مهمی در پیوند میان شهروندان و مدیریت شهری دارند. این نهادها می توانند مطالبات عمومی را جمع آوری و منتقل کنند و زمینه گفت و گوی مستمر میان مردم و مدیران را فراهم سازند. هرچه ارتباط این نهادها با محله ها و گروه های اجتماعی بیشتر باشد، امکان شناسایی دقیق تر نیازهای شهروندان افزایش خواهد یافت. همچنین تقویت نهادهای محله محور می تواند مشارکت مردم را از سطح فردی به سطح جمعی ارتقا دهد و زمینه همکاری برای حل مسائل محلی را فراهم کند. یکی دیگر از مبانی حکمرانی شهری، توجه به ظرفیت های اجتماعی و دانش بومی شهروندان است. شهروندان در طول زندگی خود تجربه های ارزشمندی درباره محله، مشکلات، امکانات و فرصت های موجود در محیط زندگی شان به دست می آورند. این دانش اگر در فرآیند برنامه ریزی مورد استفاده قرار گیرد، می تواند مکمل دانش تخصصی برنامه ریزان و مدیران باشد. بنابراین، حکمرانی شهری نباید میان دانش تخصصی

و تجربه عمومی تقابل ایجاد کند، بلکه باید سازوکاری برای ترکیب این دو نوع دانش فراهم سازد تا تصمیم‌های شهری واقع‌بینانه‌تر و قابل اجرا تر باشند.

حکمرانی شهری همچنین با مفهوم پایداری ارتباط مستقیم دارد. شهری که منابع طبیعی خود را بدون توجه به نیاز نسل‌های آینده مصرف کند، یا توسعه آن موجب تخریب محیط‌زیست و افزایش نابرابری شود، نمی‌تواند نمونه‌ای از حکمرانی مطلوب تلقی شود. برنامه‌ریزی شهری باید میان توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست و حفظ منابع تعادل ایجاد کند. شهروندان نیز در این زمینه نقش مهمی دارند؛ زیرا شیوه مصرف، نحوه استفاده از فضاها، عمومی، همکاری در حفاظت از محیط‌زیست و مشارکت در برنامه‌های اجتماعی بر پایداری شهر اثر می‌گذارد. چارچوب حکمرانی شهری بر این اندیشه استوار است که آینده شهر محصول تصمیم‌ها و کنش‌های مشترک همه بازیگران شهری است. مدیریت شهری بدون مشارکت مردم نمی‌تواند بسیاری از مسائل پیچیده شهر را به شکل پایدار حل کند و شهروندان نیز بدون وجود نهادهای پاسخ‌گو و سازوکارهای مشارکت مؤثر، امکان کافی برای اثرگذاری بر آینده شهر نخواهند داشت. از این منظر، حکمرانی شهری فرآیندی دوسویه است که در آن مسئولیت‌های مدیریت شهری و شهروندان در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد و هدف اصلی آن ایجاد شهری عادلانه، شفاف، مشارکت‌پذیر، پایدار و برخوردار از کیفیت مناسب زندگی است.

مفاهیم، مبانی و تحول حکمرانی شهری

حکمرانی شهری مفهومی چندبعدی و پویاست که در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم در مطالعات شهری، مدیریت عمومی و برنامه‌ریزی شهرها تبدیل شده است. این مفهوم در ساده‌ترین معنا به چگونگی هدایت، هماهنگی، تصمیم‌گیری و تنظیم امور عمومی در فضای شهری اشاره دارد، اما در معنای گسترده‌تر، مجموعه‌ای از روابط، فرآیندها، نهادها و سازوکارهایی را دربرمی‌گیرد که از طریق آن‌ها مسائل شهر شناسایی، اولویت‌بندی و برای آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. حکمرانی شهری تنها به عملکرد شهرداری یا سازمان‌های رسمی محدود نیست، بلکه مجموعه‌ای از بازیگران شامل شهروندان، شوراهای اسلامی شهر، نهادهای دولتی، سازمان‌های عمومی، بخش خصوصی، انجمن‌های اجتماعی، گروه‌های محلی، دانشگاه‌ها، متخصصان و سازمان‌های مردم‌نهاد را دربرمی‌گیرد. در این نگاه، شهر یک نظام اجتماعی پیچیده است که اداره آن نیازمند تعامل، گفت‌وگو، همکاری و تقسیم مسئولیت میان گروه‌های مختلف

است. بنابراین، حکمرانی شهری را باید فرآیندی دانست که در آن قدرت تصمیم‌گیری و مسئولیت اداره امور عمومی شهر میان بازیگران گوناگون توزیع شده و از طریق سازوکارهای قانونی، اجتماعی و نهادی به سمت تأمین منافع عمومی هدایت می‌شود.

تفاوت اساسی حکمرانی شهری با مدیریت سنتی شهر در نوع نگاه به قدرت، تصمیم‌گیری و نقش شهروندان آشکار می‌شود. در الگوی مدیریت سنتی، اداره شهر عمدتاً بر ساختارهای رسمی، سلسله‌مراتب اداری و تصمیم‌گیری از بالا به پایین استوار بود و شهروندان بیشتر در جایگاه دریافت‌کنندگان خدمات قرار داشتند. در چنین رویکردی، مسئولیت اصلی شناسایی مسائل و ارائه راه‌حل بر عهده سازمان‌های رسمی قرار می‌گرفت و مشارکت عمومی معمولاً محدود به برخی فعالیت‌های قانونی یا مشورتی بود. اما تحول حکمرانی شهری موجب شده است شهروندان به‌عنوان یکی از عناصر اصلی فرآیند تصمیم‌گیری شناخته شوند. در حکمرانی شهری، مدیران و نهادهای رسمی همچنان نقش مهمی دارند، اما این نقش بیشتر به سمت هماهنگی، تسهیل‌گری، ایجاد زمینه همکاری و تنظیم روابط میان بازیگران مختلف حرکت می‌کند. در نتیجه، اداره شهر از یک فعالیت صرفاً سازمانی به فرآیندی اجتماعی تبدیل می‌شود که موفقیت آن به میزان همکاری و اعتماد میان نهادهای رسمی و جامعه بستگی دارد.

یکی از مبانی اصلی حکمرانی شهری، پذیرش ماهیت پیچیده مسائل شهری است. شهرها با مجموعه‌ای از مسائل درهم‌تنیده مواجه هستند که هیچ‌یک از آن‌ها را نمی‌توان جدا از سایر مسائل بررسی کرد. موضوعاتی مانند مسکن، حمل‌ونقل، آلودگی هوا، توسعه اقتصادی، فقر، آسیب‌های اجتماعی، محیط‌زیست، امنیت، خدمات عمومی و عدالت فضایی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و تصمیم‌گیری درباره هر یک می‌تواند پیامدهایی در حوزه‌های دیگر ایجاد کند. از این رو، حکمرانی شهری بر ضرورت همکاری میان سازمان‌ها و گروه‌های مختلف تأکید دارد. هیچ سازمانی به تنهایی نمی‌تواند همه دانش، منابع و توانایی لازم برای حل مشکلات پیچیده شهر را در اختیار داشته باشد. استفاده از تجربه شهروندان، دانش متخصصان، ظرفیت‌های اقتصادی و توانایی نهادهای اجتماعی می‌تواند زمینه‌ای برای دستیابی به تصمیم‌های جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر فراهم سازد. مبنای دیگر حکمرانی شهری، توجه به منافع عمومی و کیفیت زندگی شهروندان است. هدف از اداره شهر صرفاً افزایش ساخت‌وساز یا توسعه کالبدی نیست، بلکه باید شرایطی فراهم شود که شهروندان بتوانند در محیطی سالم، ایمن، عادلانه و برخوردار از خدمات